هم‌اندیشی خبرگان ملت و مدیران رسانه ملی

رئیس و جمعی از معاونان رسانه ملی در یک جلسه ۳ ساعته به تبادل‌نظر با اعضای کمیسیون فرهنگی، اجتماعی مجلس خبرگان پرداختند

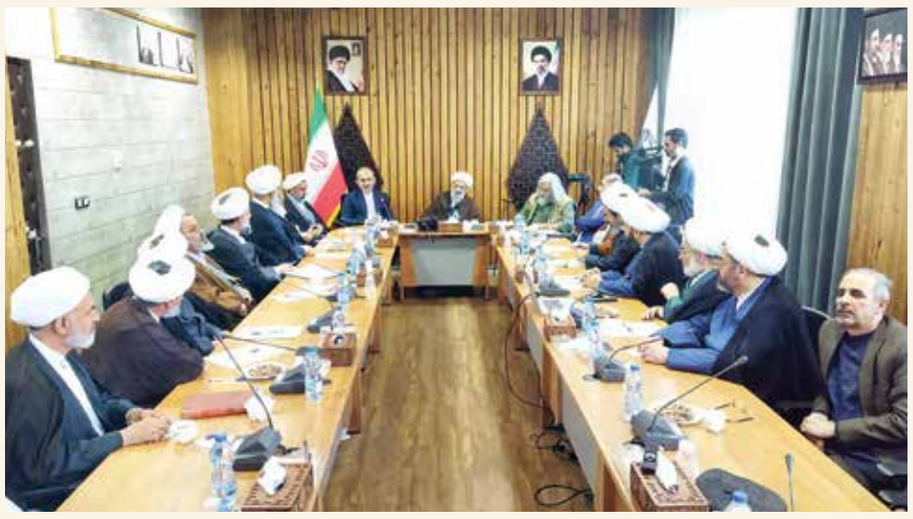

رئیس رسانه ملی در سفر یک‌روزه خود به شهر مقدس قم و در دیدار با اعضای کمیسیون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مجلس خبرگان رهبری گفت: برداشت ما این است که از سوی دشمنان خارجی و دنباله‌های داخلی‌شان؛ حرکتی هدفمند برای عبور از جایگاه ولایت‌فقیه شکل گرفته است.

او افزود: بخشی از حملات به صداوسیما در همین چارچوب قابل تحلیل است.

رئیس سازمان صداوسیما گفت: مبنای تدوین سند تحول این سازمان، منویات رهبر شهید بوده که در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. او تأکید کرد: صداوسیما برای اجرای این سند، به تغییر رویکردها، اولویت‌های محتوایی و سازوکارهای درونی نیاز داشته است.

دکتر جبلی با اشاره به دشواری ایجاد تحول در سازمانی بزرگ و در حال فعالیت، گفت: یکی از چالش‌های اصلی، شکل‌گیری فرهنگ تحول در داخل سازمان بود؛ فرآیندی که به گفته او همچنان ادامه دارد.

وی افزود: در بیرون از سازمان نیز باید رویکرد هویت‌محور صداوسیما برای دستگاه‌های فرهنگی تبیین می‌شد.

رئیس رسانه ملی، گسترش جغرافیای بازنمایی ایران در رسانه ملی را از محورهای تحول برشمرد و گفت: «ایران فقط تهران نیست» و باید شهرها و روستاهای سراسر کشور در قاب رسانه ملی دیده شود. او همچنین از توجه به هویت‌های کمتر دیده‌شده و معرفی چهره‌هایی فراتر از چهره‌های هنری، ازجمله دانشمندان، نخبگان و فعالان علم و فناوری به‌عنوان دیگر محورهای این رویکرد یاد کرد.

وی با بیان این‌که بخشی از انتقادها به صداوسیما ناشی از تأکید بر این رویکرد هویتی است، شرایط دشوار کشور در پنج سال گذشته را دیگر چالش سازمان دانست. به گفته دکتر پیمان جبلی، در جریان جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه، با وجود آن‌که سازمان هدف حملات سنگین قرار داشت، پخش برنامه‌های صداوسیما حتی برای لحظه‌ای متوقف نشد.

باج به غرب در سیاست خارجی و به غربگرایان در سیاست فرهنگی

در این دیدار وحید جلیلی، قائم‌مقام فرهنگی سازمان صداوسیما و دبیر ستاد تحول این سازمان نیز گفت: همان‌طور که برخی در سیاست خارجی به این نتیجه رسیده بودند که باید به غرب باج بدهیم؛ برخی نیز در مدیریت فرهنگی جمع‌بندی‌شان این است که باید به غرب‌زده‌ها باج بدهیم. وی بر لزوم برخورداری مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی از مبانی مکتبی تأکید کرد و افزود: سند تحول رسانه ملی، قرار گرفتن «فکر دینی» در ابتدای زنجیره تولید را مبنای کار خود قرار داده است؛ در حالی‌که برخی جریان‌ها درصدد نابودی اصل ورود فکر دینی به مقوله سیاست و سیاست‌گذاری هستند.

در این نشست جواد رمضان‌نژاد، رئیس ساترا نیز گزارشی از شبکه نمایش خانگی و برخی برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در این حوزه ارائه کرد. اعضای کمیسیون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مجلس خبرگان رهبری نیز با قدردانی از تلاش‌های رئیس و کارکنان صداوسیما، دیدگاه‌ها و مطالبات خود را مطرح کردند.



«کارآگاه علوی» و تاریکخانه فساد پهلوی

کارآگاه علوی در فصل سوم خود تلاش کرده عدالت را در فضای فاسد دوران طاغوت برقرار کند



امیر گودرزی | گروه رسانه

سال‌ها پس از آن‌که نام «کارآگاه علوی» با خاطرات نسل‌های مختلف از مخاطبان تلویزیون گره خورد، این مجموعه معمایی و پرطرفدار با پخش فصل سوم از شبکه یک سیما بار دیگر به خانه‌ها بازگشته است. دو فصل نخست این اثر که در دهه‌های گذشته روی آنتن رفت، در بستر اقتدار و ثبات نسبی حکومت‌های وقت روایت می‌شدند و کارآگاه علوی در آنها به‌عنوان بازویی قدرتمند در خدمت نظم رسمی کشور عمل می‌کرد اما فصل سوم، روایتگر فضایی کاملا دگرگون‌شده است؛ داستانی که در روزهای پایانی و ملتهب حکومت رضاشاه و در دل ساختاری غرق در فساد سیستماتیک جریان دارد. در این فصل، علوی دیگر مهره‌ای در خدمت یک حکومت مقتدر نیست، بلکه قهرمانی تنهاست که در میان غبار بی‌قانونی و سایه سنگین بحران‌های سیاسی، تقلا می‌کند تا حقیقت را کشف کند و عدالت را زنده نگه دارد؛ عدالتی که دیگر در چارچوب خشک و گاه مخدوش قوانین زمانه معنا نمی‌شود، بلکه برخاسته از وجدان بیدار و خرد پخته‌تری است که این کارآگاه کهنه‌کار در جریان پرونده‌های پیچیده به نمایش می‌گذارد. درباره این تحول بنیادین در شخصیت‌پردازی، واکاوی پرونده‌های واقعی تاریخی و تلاش برای نزدیک کردن ساختار اثر به استانداردهای نوین درام‌های پلیسی دنیا با پرویز امیری، تهیه‌کننده کارآگاه علوی ۳ گفت‌وگو کردیم.

جست‌وجوی عدالت در بستر فساد

بازگشت دوباره کارآگاه علوی به آنتن تلویزیون پس از سال‌ها وقفه، بی‌شک یکی از رویدادهای مهم در حوزه مجموعه‌های نمایشی تاریخی و پلیسی است. فصل سوم این اثر، درحالی مخاطبان خود را غافلگیر کرده که از نظر فضا و ساختار داستانی، تفاوت‌های محسوسی با فصل‌های خاطره‌انگیز اول و دوم دارد. اگر درگذشته کارآگاه علوی را در بستر یک نظام اقتدارگرا دنبال می‌کردیم، امروز او را در فضایی می‌بینیم که غرق در چالش‌ها و فساد سیستماتیک است؛ جایی که ساختارهای قانونی کارکرد اصلی خود را از دست داده‌اند و قهرمان داستان ناچار است برای برقراری عدالت، از مسیرهای مرسوم فاصله بگیرد و به وجدان و اصول انسانی خود چنگ بزند. این رویکرد ساختاری، نه‌تنها به‌تنهایی قهرمان معنایی تازه بخشیده، بلکه ابعاد سیاسی و امنیتی پرونده‌ها را نیز پررنگ‌تر کرده است. این موضوعی است که پرویز امیری، تهیه‌کننده سریال نیز با تأیید آن به ابعاد واقعی بودن ماجراها اشاره می‌کند و در این‌خصوص توضیح می‌دهد: بسیاری از پرونده‌هایی که در سریال به آنها پرداخته‌ایم، به نظر من از پرونده‌های واقعی آن دوره الهام گرفته شده است. نویسنده تلاش کرده تا حدی به پرونده‌های واقعی آن سال‌ها متعهد باشد و آنها را به اثری نمایشی تبدیل کند. به نظر من، این‌که در مجموعه‌ای که عدالت چندانی در آن برقرار نیست، شخصیتی تلاش می‌کند پرونده‌های جنایی را عادلانه پیگیری کند، پیرنگ اصلی ماجراست. فصل‌های اول و دوم کارآگاه علوی هم همین ویژگی را داشت. کارآگاه علوی روحیه‌ای آزاده و ظلم‌ستیز دارد. این ویژگی در دو مجموعه قبلی هم وجود داشت اما در فصل سوم پررنگ‌تر دیده می‌شود.

کشف معماهای اپیزودیک

بررسی سیر تکاملی شخصیت کارآگاه علوی نشان می‌دهد که مأموریت او از سطح حل پرونده‌های صرفا اپیزودیک و تعقیب قاتلان در فصل‌های گذشته، اکنون به لایه‌های عمیق‌تری ارتقا یافته است. در فصل سوم، هدف اصلی تنها کشف یک جنایت نیست، بلکه نمایاندن بستری است که جرم در دل آن شکل می‌گیرد؛ یعنی واکاوی نظام بروکراسی فاسدی که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌هاست. با این حال، تهیه‌کننده تأکید دارد که این تغییر زاویه دید، به معنای تضعیف شاکله معمایی و جنایی اثر نبوده است؛ بلکه نویسندگان تلاش کرده‌اند با حفظ اصول حرفه‌ای آثار پلیسی، ماجراهای واقعی و ساده تاریخی را به درام‌های پیچیده و پرکشش تبدیل کنند؛ فصل‌های اول و دوم حالتی تقریبا اپیزودیک و جنایی داشتند، یعنی علوی تلاش می‌کرد معماهای جنایی را حل کند و به قاتل برسد اما در فصل سوم، تلاش می‌کند نظام بروکراسی فاسد را کشف و نشان دهد که اتفاق‌ها در چه بستری شکل گرفته‌اند. البته ساختار معمایی و جنایی تغییر نکرده است. پیچیدگی معماگونه جنایت، پیرنگ و رکن اصلی هر اثر جنایی است و در این مجموعه هم وجود دارد. با توجه به ساختار داستان‌هایی که به آنها پرداخته‌ایم، نویسنده و گروه در بازنویسی تلاش کردند این ویژگی حفظ شود و پیچیدگی معمایی قصه از بین نرود.

امیری ادامه می‌دهد: برای نمونه، ماجرای قتل در اردوگاه و قتل یک تیمسار که با دانشجویان افسری برخورد بدی داشت و دانشجویانی را که از روستاها آمده بودند، اخراج می‌کرد، واقعی بوده است. اما ممکن است خود ماجرای قتل در واقعیت ساده باشد؛ طوری‌که در مراسم صبحگاه، دانشجویی به او شلیک کرده بود. ما این ماجرا را به یک داستان جنایی پیچیده و معماگونه تبدیل کردیم. در آثار بزرگ پلیسی دنیا هم تقابل با افراد فاسد درون سیستم وجود دارد اما معمولا این تقابل به اندازه خود ماجرای جنایی پررنگ نیست و بیننده بیشتر معما را دنبال می‌کند.

تنهایی قهرمان و تقابل قانون و وجدان

یکی از تحولات بنیادین فصل سوم، تغییر جایگاه کارآگاه علوی در معادلات قدرت است. در دو فصل نخست که وقایع در دوران تسلط رضاشاه روایت می‌شد، علوی بازوی اجرایی یک حکومت مقتدر به‌شمار می‌رفت اما در فصل جدید، با تضعیف ساختار قدرت، التهاب سال‌های پایانی حکومت پهلوی اول و سایه سنگین اشغال کشور توسط متفقین، دیگر خبری از آن حمایت‌های ساختاری نیست. علوی اکنون به قهرمانی تنها تبدیل شده که در فضایی آکنده از قانون‌گریزی و تسلط بیگانگان، باید میان چارچوب‌های خشک و البته ناکارآمد حقوقی از یک سو ندای وجدان و عدالت از سوی دیگر، یکی را انتخاب کند. این تنهایی قهرمان، به زیبایی در نوع درگیری‌ها و مواجهه‌های او با عناصر مختلف جامعه بازتاب یافته است. این موضوعی است که امیری آن را از ویژگی‌های کلاسیک قهرمان‌پردازی می‌داند و چنین تأیید می‌کند: علوی یک قهرمان است و یکی از ویژگی‌های قهرمان، تنها بودن اوست. قهرمان تلاش می‌کند با یک جهان منفی یا نیرویی منفی مبارزه کند. این نیروی منفی می‌تواند یک فرد، جامعه یا اداره باشد؛ بنابراین این ویژگی در علوی ما هم وجود دارد. برای مثال علوی در جایی با دو نیروی خارجی که خانمی ایرانی را تعقیب می‌کنند درگیر می‌شود. او پلیس شهربانی است اما نوع درگیری‌اش، درگیری یک قهرمان است؛ نه یک کارمند که صرفا در چارچوب یک سیستم حقوقی و قانونی عمل می‌کند. چون در اینجا قانون دیگر کارکرد چندانی ندارد؛ بنابراین درست است که بگوییم این ویژگی در فصل سوم علوی وجود دارد. بنابراین در فصل جدید پرونده‌ها هم پیچیده‌تر می‌شوند و به مسائل سیاسی و حتی امنیتی گره می‌خورند.

مصلحت‌اندیشی‌های انسانی یک کارآگاه

ورود فصل سوم به پرونده‌های حساس سیاسی-جنایی همچون ماجرای ترور رئیس اداره سیاسی شهربانی در اواخر دوره پهلوی اول، نشان‌دهنده تغییر لحن اثر به سمت درام‌های عمیق‌تر تاریخی است. در این میان گره‌خوردن انگیزه‌های شخصی و ناموسی با مسائل کلان سیاسی، زوایای پنهانی از شخصیت کارآگاه علوی را نمایان می‌کند. تصمیم او برای حفظ مستمری همسر و فرزند یک قاتل، نشان‌دهنده پختگی و خرد افزون‌تر این کارآگاه است؛ شخصیتی که دیگر تنها به اجرای مکانیکی قانون نمی‌اندیشد، بلکه تبعات انسانی و اجتماعی تصمیمات خود را نیز مدنظر قرار می‌دهد و در فضایی که عدالت قربانی سیاست شده، چراغ راهنما را براساس مصلحت انسانی روشن نگه می‌دارد. تهیه‌کننده کارآگاه علوی در این مورد می‌گوید: در فصل سوم پرونده‌ها پیچیده‌ترند و سادگی فصل‌های اول و دوم را ندارند. ما این مجموعه را به آثار پلیسی جنایی روز دنیا نزدیک کرده‌ایم؛ از این‌رو قهرمان همیشه براساس قانون رفتار نمی‌کند و گاهی بر پایه عدالت و انسانیت تصمیم می‌گیرد، بنابراین کارآگاه علوی فصل سوم گاهی براساس درک انسانی‌اش رفتار می‌کند و الزاما در چارچوب قانون عمل نمی‌کند؛ چون قانون تحت سلطه است و کشور اشغال شده و داستان در فضای بی‌قانونی پیش می‌رود.

برش

تلفیق تکنیک‌های کلاسیک با ذائقه مخاطب امروز

یکی از دستاوردهای ارزشمند فصل سوم کارآگاه علوی، تلاش سازندگان برای به‌روزرسانی الگوهای روایت پلیسی در تلویزیون است. الهام گرفتن از الگوهای کلاسیک ادبیات کارآگاهی جهان مانند سبک کارآگاهی پوآرو در جمع‌کردن متهمان در یک فضا و باز کردن گره معماها در برابر دیدگان همه نویدبخش حرکتی روبه‌جلو در ساخت سریال‌های جنایی ایرانی است. تهیه‌کننده می‌گوید: مخاطب امروز تلویزیون، با تماشای آثار متنوع جهانی، انتظارات بالاتری از نظر ریتم، پیچیدگی و جذابیت دارد و تلفیق این عناصر با بستری نوستالژیک و تاریخی، می‌تواند فرمولی موفق برای جذب مخاطبان سخت‌پسند امروزی باشد. در آخرین قسمتی که پخش شد علوی همه متهمان را در کافه‌ای جمع کرده و اتهام هرکدام را به‌تدریج مطرح می‌کند؛ بله، شبیه کاری که پوآرو انجام می‌دهد. می‌خواهم بگویم ما کمی سریال کارآگاه علوی را به ادبیات پلیسی دنیا و آن چیزی که بیننده از یک سریال پلیسی جنایی انتظار دارد، نزدیک کرده‌ایم. به نظر من این اتفاق ویژه‌ای در کارهای پلیسی ماست؛ در بسیاری از آثار پلیسی‌مان چنین فضایی را نمی‌بینیم. با توجه به تاریخی بودن مجموعه، این فرصت را داشتیم که فضای پلیسی و معماگونه و حال‌وهوای نوستالژیک را در سریال لحاظ کنیم. فکر می‌کنم مخاطب این فضا را بیشتر می‌پسندد. مخاطب امروز آثار پلیسی و جنایی زیادی دیده و با مخاطب ۳۰ سال پیش فرق می‌کند و از سریال انتظار ریتم، جذابیت و پیچیدگی دارد.

یادداشت

رضا کوچک‌زاده تهمتن | مدیرشبکه رادیویی تهران

از پایتخت تا دورترین شهرستان‌ها

رادیو تهران به‌عنوان رسانه محوری استان تهران، رسالتی فراتر از بازتاب رویدادهای روز دارد. این شبکه در سه عرصه اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و آموزش، می‌کوشد نبض زندگی مردم را بشنود، مسائل و ظرفیت‌های جامعه را روایت کند و در بزنگاه‌های ملی نیز با تبیین رویدادها، به ارتقای آگاهی عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

تهران را نمی‌توان تنها در خیابان‌های پرتردد، برج‌ها و اخبار کلان خلاصه کرد. این استان مجموعه‌ای متنوع از شهرها، روستاها، محله‌ها، صنایع و زیست‌بوم‌هایی است که هر یک مسائل و ظرفیت‌های خاص خود را دارند. توجه به این تنوع، از محورهای تحول رویکرد رادیو تهران در سال‌های اخیر بوده است؛ تحولی که در چارچوب سند تحول رسانه ملی و افق ۱۴۱۰ شبکه، جایگاه این رسانه را از یک رسانه صرفا شهری به رسانه‌ای مرجع و مطالبه‌گر در مقیاس شهر و استان بازتعریف می‌کند.

این تحول، پیش از آن‌که به تغییر در جدول پخش برنامه‌ها مربوط باشد، از تغییر در نقطه عزیمت برنامه‌سازی حکایت دارد؛ شناخت نیازهای مخاطب و یافتن راه‌هایی برای اثرگذاری بر زندگی او. بر همین اساس، مسائل شهرستان‌ها و روستاهای استان در کنار موضوعات پایتخت مورد توجه قرار گرفته است؛ از ترافیک و آلودگی هوا و محیط‌زیست تا کشاورزی و دامداری، اقتصاد روستایی، شهرک‌های صنعتی، توسعه، فرهنگ و گردشگری و مسائل اجتماعی. رادیو تهران همچنین در موضوعات کلان ملی، با اطلاع‌رسانی مسئولانه و تبیین ابعاد رویدادها، ایفای نقش می‌کند. همچنین بازتاب حضور و مشارکت مردم در شرایط جنگی، روند بازسازی و صحنه‌های مختلف اجتماعی، بخشی از روایت رادیو تهران از ظرفیت‌های جامعه و نقش‌آفرینی شهروندان است.

یکی از کارکردهای محوری این شبکه، ایجاد ارتباطی دوسویه میان مردم و مسئولان است. رسانه زمانی می‌تواند در حل مسائل جامعه نقش‌آفرین باشد که مطالبات شهروندان را به گوش مدیران برساند و در مقابل، فرصت پاسخگویی، ارائه گزارش عملکرد و تشریح برنامه‌ها را برای مسئولان فراهم کند. استودیو «صدای شهر» با بازتاب مسائل و پرسش‌های مردم و پیگیری پاسخ آنها از مدیران شهری و استانی و برنامه «دور یک میز» با بررسی روزانه مسائل مهم شهر و استان و حضور مسئولان، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند.

در کنار اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری، آموزش و آگاهی‌بخشی نیز بخشی از مسئولیت اجتماعی رادیو تهران است. پرداختن به سواد رسانه‌ای و مالی، موضوعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، خانواده، اقتصاد، تاریخ و فرهنگ، با این هدف دنبال می‌شود که مخاطب بتواند با آگاهی بیشتر درباره زندگی و محیط پیرامون خود تصمیم بگیرد. برنامه‌هایی مانند «صبح نو تهران نو» با تمرکز بر موضوعات شهروندی و الزامات زندگی شهری، «تهران تعطیل نیست» با بررسی مسائل شهر و استان در روزهای جمعه و «همسایه سلام» ویژه شهرستان‌های استان از شنبه تا چهارشنبه در همین مسیر حرکت می‌کنند. بخش‌های خبری شبکه نیز مهم‌ترین رویدادهای روز را در حوزه‌های مختلف به مخاطبان منتقل می‌کنند.

در شرایطی که انتشار اخبار گمراه‌کننده، کلاهبرداری‌ها و جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن، تشخیص واقعیت را دشوارتر کرده است، مسئولیت رسانه در روایت دقیق، بهنگام و روشنگرانه اهمیتی دوچندان می‌یابد. مقابله با شایعه و برداشت‌های نادرست، آموزش مهارت تشخیص و پاسخگویی به پرسش‌های جامعه، بخشی از این مسئولیت است. امیدآفرینی نیز به‌معنای نادیده‌گرفتن مشکلات نیست؛ بلکه با طرح صریح مسائل و نشان دادن راه‌های واقع‌بینانه، مواجهه با آنها معنا پیدا می‌کند.

کارنامه یک رسانه استانی را نمی‌توان صرفا با تعداد برنامه‌ها سنجید؛ معیار مهم‌تر، میزان ارتباط آن با زندگی مردم و اثرگذاری در خدمت به جامعه است. رادیو تهران می‌کوشد با شنیدن صدای شهروندان، بازتاب مسائل پایتخت و شهرستان‌های استان، فراهم‌کردن زمینه گفت‌وگوی مردم و مسئولان و ایفای مسئولیت ملی خود در حوزه اطلاع‌رسانی و تبیین، حلقه پیوندی میان جامعه و مدیران باشد؛ چراکه شنیدن مردم، آغاز مسیر شناخت و حل مسأله و پاسخگویی مسئولان، گامی مؤثر در تقویت اعتماد عمومی است.